

بررسی تاثیر شاخص‌های اجتماعی و روانشناختی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان)

Investigation of socio-psychological indicators on rural women's economic empowerment; case study: Hamedan County

هما سرش مهر<sup>۱</sup>، موسی اعظمی<sup>۲</sup>، فاطمه تدین نژاد، خلیل کلانتری<sup>۳</sup>، حسین شعبانعلی فمی<sup>۴</sup>

چکیده

بنابر اعتقاد نظریه پردازان توسعه، منابع انسانی هر جامعه‌ای عامل تعیین‌کننده‌ی چگونگی توسعه اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی علاوه بر این که موضوع و هدف هر نوع برنامه توسعه‌ای هستند، عامل پیشبرد اهداف توسعه‌ی جامعه نیز به شمار می‌آیند. توانمندسازی اقشار محروم به‌خصوص زنان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی هدف نهایی برنامه‌های توسعه می‌باشد. در این راستا، توجه به زنان روستایی که علاوه بر ایفای نقش کشاورز و تولیدکننده در نقش مادر نیز به تربیت نسل آتی می‌پردازند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نوشتار حاضر در مرحله اول به بررسی سطح توانمندی اقتصادی زنان روستایی و سپس بررسی تاثیر شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و روانشناختی موثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی از طریق مقایسات میانگین‌ها می‌پردازد. این پژوهش از نظر ماهیت، کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها، از نوع غیر آزمایشی، و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۴۵۳۳۴ نفر از زنان روستایی شهرستان همدان می‌باشد که از هر دهستان و بر اساس انتساب متناسب طبقه‌ای، ۱۳ روستا به تصادف انتخاب، و جامعه آماری منتخب ۲۵۶ نفر (بر حسب محاسبه فرمول کوکران) انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که روایی آن بر اساس نظر جمعی از اساتید رشته توسعه روستایی دانشگاه تهران، کارشناسان ترویج منطقه و زنان روستایی تایید گردید. جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط زنان روستایی تکمیل شده و مورد مطالعه قرار گرفت، ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) نشان داد که وسیله تحقیق از قابلیت بالایی برای جمع‌آوری اطلاعات برخوردار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۸۰٪ زنان جامعه‌ی مورد مطالعه از توانایی اقتصادی متوسط و پایین برخوردارند، همچنین اثر متغیرهای اجتماعی-روانشناختی بر توانمندی اقتصادی در سطح ۱٪ معنی‌دار می‌باشد. مدل نهایی تحقیق با استفاده از رگرسیون چند متغیره نشان داد قوی‌ترین متغیر تبیین‌کننده توانمندی اقتصادی زنان، میزان اعتماد به نفس آنهاست.

کلید واژه‌ها: شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، زنان روستایی، شهرستان همدان

Synopsis

In the present context of rural development, the overall objective of the rural women's empowerment is to strengthen processes that promote economic empowerment of women and create an enabling environment for sustainable rural development. Cooperatives have a special role for empowering women that provide a critical outlet for women's empowerment and economic independence, building the way for faster, fairer, and more sustainable socioeconomic status for them. Many studies have recognized that paying attention to the economic aspect should not be considered as the basic means for empowering rural women, because they both suffer from lower psychosocial status, lack of property rights, environmental degradation and limited health and educational resources. In regards of participation women in cooperatives it's important to investigate psychosocial factors to have successful participation rural women in cooperatives. This study was undertaken to explore the relationships between economic empowerment and social-psychological dimensions of empowerment. In this descriptive cross-sectional study 256 rural women

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران soroshmehr@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه بوعلی سینا

<sup>۳</sup> دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

from Hamedan County were selected as sample using Cochran formula and stratified proportionate random sampling technique. The validity of the main scales of questionnaire was approved by a panel of expert judgment. Using Cronbach's-alpha formula, the reliability of questionnaire assessed ( $\alpha=0.81$ ). The correlations analysis showed that there were significant positive relationships between economic empowerment with educational level, mobility, self-confidence, self-reliance and non-economic authority. In addition regression analysis and ANOVA analysis revealed that the main component identified in economic empowerment of rural women is self-confidence and significant psychological difference between groups of women with different level of economic empowerment. The study findings reveal that the effectiveness of any economic program of empowering rural women depends on the success psychosocial dimensions.

**Key Word: socio-psychological indicators, Economic empowerment, Rural Women, Hamedan**

## مقدمه و طرح مساله

یکی از اهداف توسعه‌ی هزاره، افزایش برابری جنسیت و توانمندسازی زنان می‌باشد. این هدف در راستای اولویت بخشی به حذف صورتی از فقر است که فقر جنسیتی<sup>5</sup> نامیده می‌شود (UNFPA,2007). فقر جنسیتی به این معناست که زنان و مردان به دلایل مختلفی گرفتار فقر شده، هر یک از آنها با اشکال متفاوتی از فقر را تجربه می‌کنند و در نتیجه برای مقابله با آسیب‌پذیری و فقر خود، روش‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند (Chant,2003). تحقیقات نشان داده که شاخص‌های رایج برای سنجش سطح نابرابری‌ها بین زنان و مردان مانند آموزش و سطح سواد، به اندازه کافی به نابرابری‌ها حساس نبوده و تبعیض‌های رایج در جامعه بین دو جنس را نشان نمی‌دهند، در واقع بسیاری از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی دیگری هم وجود دارند که موقعیت زنان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (Nassbaum,2000)؛ مانند میزان خشونت خانگی، آزادی حرکت، نگرش جنسیتی در بین زنان، اعتماد به نفس، خوداثر بخشی و مانند آن (Akinsanmi,2005). نظریه پردازان توسعه با هدف رسیدن به برابری جنسیتی، برنامه‌های توصیه شده جهت رفع محرومیت از اقشار آسیب‌پذیر به-خصوص زنان روستایی و بهبود ابعاد مختلف زندگی آنان را در قالب توانمندسازی به جهان در حال توسعه، معرفی نمودند (WorldBank,2005). توانمندسازی یکی از رویکردهای توسعه است که ابعاد فردی، روان‌شناختی، اجتماعی، سازمانی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته و عمدتاً ناشی از نوشته‌های فمینیست‌ها و تجربه‌های زنان در جهان سوم می‌باشد تا تحقیقات زنان در کشورهای توسعه یافته، و نشان می‌دهد توانمندسازی یک امر وارداتی از دنیای غرب و یا پدیده‌ای به وجود آمده از شهرنشینی و متعلق به طبقه مرفه و یا حتی متوسط اجتماع نیست (Moser,1989). این نظریه در حالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است سعی می‌نماید که قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر (با توجه به اینکه افزایش قدرت زن موجب کاهش قدرت مرد خواهد شد) و بیشتر از دیدگاه توان زنان در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی، شناسایی نماید (همان). اگر از توانمندسازی به عنوان ابزاری برای برنامه‌های فقر زدایی استفاده کنیم آنگاه بعد اقتصادی اهمیتی ویژه می‌یابد، زیرا با تقویت بنیه اقتصادی زنان، به نحویکه قادر به بهره‌گیری از استعدادها و قابلیت‌های خود باشند به انسان‌هایی مستقل و فعال در جامعه تبدیل می‌شوند که بدون نیاز به دریافت کمک از هر گونه منبعی امور مربوط به خود و خانواده‌شان را اداره خواهند کرد (غفاری، ۱۳۸۱). بنابر این عوامل اقتصادی نقش مهمی را در توانمندسازی زنان ایفا می‌کنند (Browning and Blumberg 1998 ; Duflo, 2003). در عین حال تحقیقات کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که افزایش اختیار زنان به منابع مالی لزوماً به توانمندسازی آنان منجر نمی‌شود، به عبارت دیگر دستیابی به منابع مالی و کنترل آن اهمیت دارد، اما شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه، سطح تحصیلات زنان، سیاست‌های جنسیتی دولت‌ها، مالکیت بر سرمایه‌ها و آگاهی‌های جنسیتی همگی برای توانمندی زنان ضروری می‌باشند (Kabeer 2005, Deshmukh- Randive 2003, Malhotra and Mather 1997). برخی دیگر از تحقیقات اثبات کرده‌اند که توانمندی زنان تنها در جایی اتفاق می‌افتد که آنان با هنجارهای ضد زنانه‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند روبرو شده و خود را در آن به اثبات برسانند (Swain and Wallentin,2008). بنابراین توانمندی اقتصادی زنان بستگی به عوامل اجتماعی و روانشناختی مختلفی دارد که تنها بعد اقتصادی نمی‌تواند تعیین کننده میزان توانمندی آنان باشد. این نوشتار درصدد است از نظریات و چارچوب توانمندسازی زنان روستایی که توسط کبیر<sup>6</sup> (۱۹۹۹) و بانک جهانی (۲۰۰۵) ارائه شده است، به عنوان راهنمایی جهت تحلیل شاخص‌های

<sup>5</sup> Gendered Poverty

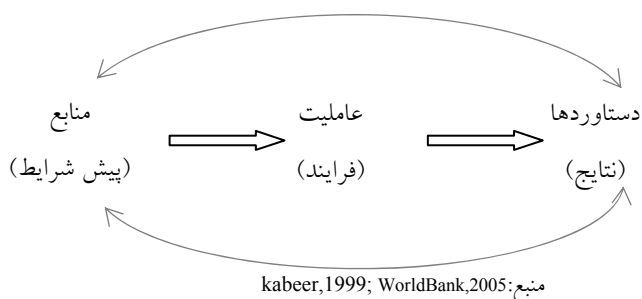
<sup>6</sup>Resources, Agency, Achievement: reflections on the Measurement of Women's Empowerment Kabeer,N(1999).

توانمندی زنان روستایی استفاده نماید. بدین منظور ابتدا از مفاهیم نظری توانمندسازی، تحقیقات صورت گرفته و نتایج آن‌ها به عنوان راهنمایی جهت درک چگونگی رسیدن به شاخص‌های توانمندی استفاده خواهد شد، سپس با فرض وجود رابطه علی بین توانمندی اقتصادی زنان و جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی و روانشناختی آن، به بررسی سطح توانمندی اقتصادی زنان روستایی شهرستان همدان پرداخته شده و با استفاده از رگرسیون چند متغیره ارتباط بین عوامل غیر اقتصادی با توانمندی اقتصادی زنان روستایی تبیین می‌گردد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از زمان پیدایش اصطلاح توانمندسازی در اواسط دهه ۷۰ (Oakley & et al,1991)، مؤلفان بسیاری سعی دارند تا با شکستن فرایند توانمندسازی به عناصر سازنده آن، ادبیات توانمندسازی و چگونگی شکل‌گیری آن را توسعه ببخشند. توانایی از قدرت سرچشمه می‌گیرد (فرهنگ عمید، ۱۳۶۹). قدرت یا توان<sup>۷</sup> به معنای کنترل داشتن و ابزاری برای دستیابی به منابع (Roget's Dictionary,2005) تعریف می‌شود. توانمندسازی<sup>۸</sup> به معنای دادن اختیار به فرد (Random Dictionary,1999) و یا دادن تجهیزات همراه با توانایی اداره آن (American Dictionary of English Words, 2006) می‌باشد. طبق نظر محققان، توانمندسازی برای زنان روستایی هنگامی معنی‌دار است که بتوانند علایق خود را در زندگی تعریف و انتخاب نموده، و خود را در راه رسیدن به آن توانا ببینند (Sen 1999; 1993, Kabeer 2001; Rowlands 1997; Nussbaum 2000; Chen 1992). طبق تعریف کبیر "توانمندسازی به معنای گسترش توانایی‌های مردم برای گرفتن انتخاب‌های اساسی<sup>۹</sup> در زندگی است، در زمینه‌ای که قبلاً این توانایی از آن‌ها سلب می‌شده است" (Kabeer,2001). در این تعریف دو عنصر بسیار مهم دیده می‌شود که توانمندسازی را از سایر اصطلاحات جدا می‌سازد: ۱) تأکید بر فرایندی بودن توانمندسازی به سبب تغییر از یک موقعیت نا-توانمندی<sup>۱۰</sup> به توانمندی و ۲) عامل ۱۱ بودن انسان در انتخاب‌هایی که در زندگی دارد. در چارچوب ترسیمی کبیر، فرایند توانمندسازی از سه عنصر بهم پیوسته تشکیل می‌شود: ۱) منابع: شرایطی است که تحت آن، انتخاب‌های اساسی زندگی گرفته می‌شود؛ ۲) عاملیت: مرکز فرایند توانمندسازی است، فردی که قرار است تصمیم‌ها را بگیرد و ۳) دستاوردها: پیامد انتخاب‌ها می‌باشد (Kabeer,1999).

شکل ۱: چارچوب کبیر و بانک جهانی از فرایند توانمندسازی



منابع، تنها منابع مادی را در بر نمی‌گیرد (Kabeer,1999)، بلکه شامل منابع انسانی مانند آگاهی زنان (Longwe,1994; Batliwala,1994) و منابع اجتماعی مانند سازمان‌های خودجوش زنان (World Bank,2001;Chen,1992) می‌باشد که در افزایش

<sup>7</sup> Power

<sup>8</sup> Empowerment

<sup>9</sup> Strategic

<sup>10</sup> Disempowerment

<sup>11</sup> Agent

آزادی زنان برای انتخاب‌های آگاهانه‌تر در زندگی مؤثر است. دسترسی زنان به چنین منابعی می‌تواند بازتابی از نحوه هنجارها و قوانین تعیین شده توسط جامعه برای زنان باشد (Kabeer,1999; Narayan et al,2000). لذا این منابع نشان دهنده نحوه توزیع "عوامل اختیار" ۱۲ در سطح جوامع می‌باشند (Giddens,1979). در این رابطه برخی دیگر از محققان (Malhotra,2002; Kishor,2000) ترجیح می‌دهد از منابع به عنوان عوامل توانایی ۱۳ نام برده شوند زیرا منابع داده‌های حیاتی هستند برای مساعد کردن فرایند توانمندسازی، تا اینکه خود به عنوان بخشی از فرایند توانمندسازی به کار روند (Govindasamy and Malhotra 1996; Malhotra and Mather 1997; Kishor 1995; Mason 1998) مانند آموزش و استخدام زنان در بخش رسمی اقتصاد. عامل دوم، عاملیت ۱۴ به معنای توانایی تعریف اهداف فردی و عمل بر طبق آن (Kabeer,1999)، در قلب بسیاری از مفاهیم توانمندسازی قرار دارد. فرایند عاملیت، گوناگون‌ترین نظریات را در بین محققان مختلف دارا می‌باشد؛ برخی از آن به عنوان میزان اختیار زنان در تصمیم‌گیری‌های مختلف (Dyson and Moore 1983; Basu and Basu 1991; e.g. Beegle et al. 1998; Jeejebhoy and Sathar 2001)، قدرت اقتصادی زن در خانواده (Mason,1998)، توانایی چانه‌زدن (Agarwal 1997; Beegle et al,1998; Pulerwitz) و نهایتاً قدرت (Hoddinott and Haddad 1995; Quisumbing and de la Briere 2000 et al. 2000) بحث نموده‌اند. در تحقیقات بیشترین شاخص مورد استفاده برای اندازه‌گیری عاملیت زنان بر روی تصمیم‌گیری‌های آنان در خانواده تمرکز دارد (Lukes,1974; Mcelroy,1992). در یک جمع‌بندی می‌توان اظهار داشت این مفهوم دلالت بر این مسأله است که در فرایند تغییر، زنان، خود باید به‌طور معناداری عامل ۱۵ زندگی شخصی خود، باشند (Sen,1993; Mehra,1997). توانایی این که زنان راه متفاوتی را در زندگی انتخاب کنند بستگی زیادی به تغییر در سرمایه‌های روانشناختی، اطلاعاتی، مادی، (WorldBank,2005; stromquist,1995) و اجتماعی (Becker,1997; Nussbaum,2000) مربوط به آنان دارد. بنابر این، رسیدن به عاملیت مستلزم فراهم کردن شرایط بسیار عادلانه از طرف حکومت و قانون‌گذاران است تا سیاست‌هایی را به شیوه‌های مختلف پیش بگیرند تا تساوی جنسیت را افزایش دهند (WorldBank, 2001 & 2000) و در نتیجه آن دسترسی زنان (و دیگر گروه‌های محروم اجتماعی) را به منابع افزایش دهند (Malhotra and et al,2002). عاملیت همراه با منابع، در مرکز مفهومی است که سن ۱۶ (۱۹۹۹) برای توسعه ارائه کرده است: فرایند حذف اشکال مختلف "اجبار" در زندگی است که انتخاب‌های فردی و عاملیت را شامل می‌شود (Sen,1985). آخرین عنصر چارچوب مورد بررسی، دستاوردها می‌باشد که لانگه از آن به عنوان رفاه (Longwe,1994) و در سیاست ملی یا بین‌المللی به نام مشارکت سیاسی، اصلاحات قانونی و امنیت اقتصادی خوانده می‌شود (Malhotra and et al,2002). طبق چارچوب مورد نظر، زنان از فرصت‌های جدید ایجاد شده (پیش شرایط انتخاب) استفاده نموده (انتخاب) و نتیجه آن، به دست آمدن پیامدهای مطلوب می‌باشد. با مرور نظریات

<sup>12</sup> Authoritative resources

<sup>13</sup> Enabling factors

<sup>14</sup> Agency

<sup>15</sup> Significant Actors

<sup>16</sup> Sen

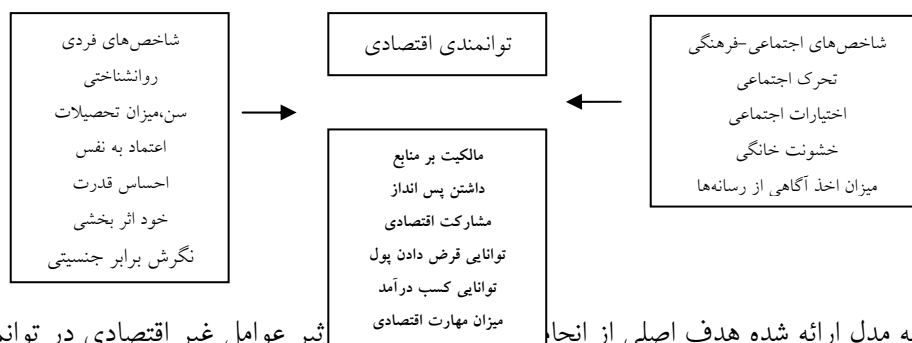
توانمندسازی مشخص است در تسهیل فرایند توانمندسازی، ارتقاء شاخص‌های اجتماعی و روانشناختی نقشی عمده ایفا می‌نمایند. بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه عبارت بالا را تایید می‌نماید.

کتابی و همکاران به بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان پرداختند. این پژوهش به روش پیمایشی-تحلیلی درباره ۳۸۰ زن ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن در مناطق ده گانه شهر اصفهان انجام گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی از عوامل موثر در توانمندسازی زنان می‌باشند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). شکوری و همکاران به بررسی مولفه‌های توانمندی زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها پرداخته‌اند. مطابق یافته‌های این پژوهش به رغم بعضی از تلاش‌ها که در قالب طرح‌های حمایتی انجام شده است، توانمندی آنان همچنان در سطح پایینی قرار دارد. علل مساله در ماهیت و رویکرد حاکم بر این تلاش‌ها، کمیت پایین آنها و همچنین فقر قابلیت‌های زنان است. نویسندگان پیشنهاد می‌دهند که برای از بین بردن فقر زنان، نابرابری جنسیتی و تحول در پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، تغییرات ساختاری ضروری است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶).

فراکنبرگ و توماس به بررسی نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده (به عنوان شاخص توانمندی) بر روی ۵۱۶۸ زوج در خانواده‌های اندونزی پرداختند. متغیرهای مورد بررسی جهت سنجش توانمندی عبارت بود از کنترل بر روی درآمد، هزینه خانواده و چگونگی استفاده از زمان. در این رابطه چگونگی تاثیر متغیرهای سن، سطح سواد، و موقعیت اجتماعی خانواده زنان بر روی توانمندی آنان مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها دلالت بر تاثیر قوی متغیرهای اجتماعی (به‌ویژه موقعیت اجتماعی خانواده زنان) بر روی توانمندی زنان داشتند (Frankenberg&Thomas, 2001). در این رابطه یافته‌های گراسماک و اسپینال نشان داد چگونگی نگرش زنان به جایگاه خود در خانواده و میزان وابستگی خانواده به درآمد زنان، هر دو بر میزان اختیار زنان در خانواده (به عنوان شاخص توانمندی) تاثیر گذار می‌باشد (Grasmuck&Espinal, 2000). آچاری و بنت دریافتند زنانی که در اقتصاد رسمی بازار، درآمد کسب می‌کنند نسبت به زنانی که درآمد مشخصی ندارند و محصولات را خود، به فروش نمی‌رسانند در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت مزرعه و خانواده، نقش پررنگ‌تری دارند (Acharya&Bennet, 1983). هاشمی و همکاران به بررسی میزان آزادی حرکت، قدرت تصمیم‌گیری، آگاهی‌های اجتماعی و خشونت خانگی در بین زنان روستایی بنگلادش پرداختند. یافته‌ها نشان داد موقعیت بالاتر اجتماعی زنان، ارزش بیشتری به ایشان داده و توانایی اقتصادی بالاتری را نیز در پی دارد (Hashemi&et al, 1996). کیشور طی پژوهشی به بررسی ارتقاء توانمندی زنان و ارتباط آن با بقاء نوزادان پرداخت. نتایج نشان داد سیستم ازدواج (مانند سنتی بودن، میزان جهیزیه و مهریه) بیشتر از عاملیت زنان (میزان اختیار مالی، قدرت تصمیم‌گیری زن، میزان ارزش زن در خانواده) بر بقاء نوزادان موثر است (Kishor, 2000). کبیر به بررسی موقعیت اجتماعی زنان روستایی مشغول به کار در کارخانه‌ای در بنگلادش پرداخت. متغیرهای مورد بررسی وی عبارت بود از میزان خشونت خانگی اعمال شده، تاثیر زنان بر تصمیم‌گیری‌ها و ارزش آنان در خانواده. بر اساس یافته‌ها زنان اظهار داشتند در نتیجه کار، و کسب درآمد ارزش اجتماعی بالاتری در خانواده دارند اما عقیده مردان بر این بود که زنان کارگر موقعیت

اجتماعی پایین‌تری نسبت به دیگر زنان روستا دارند (Kabeer, 1997). اسکولار و همکاران یافتند میزان خشونت خانگی در مناطقی از بنگلادش که اعتبارات خرد برای زنان در دسترس می‌باشد به طور معناداری پایین‌تر از سایر نواحی است (Schuler & et al, 1996).

با مرور پژوهش‌های صورت گرفته مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی روانشناختی زنان روستایی مشخص می‌باشد، لذا در این پژوهش با در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی به عنوان متغیرهای مستقل و توانمندی اقتصادی زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته و مفروض در نظر گرفتن رابطه همبستگی بین عوامل اجتماعی-روانشناختی و توانمندی اقتصادی، مدل تحقیق به صورت زیر خواهد بود.



با توجه به مدل ارائه شده هدف اصلی از انجام این پژوهش تعیین سطح توانمندی اقتصادی زنان روستایی است که در این راستا، اهداف فرعی زیر مطرح می‌باشند:

تعیین سطح توانمندی اقتصادی زنان روستایی جامعه مورد مطالعه؛

تعیین سطح شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی زنان و تبیین ارتباط بین این شاخص‌ها با توانمندی اقتصادی؛

تدوین راهکارهای موثر برای ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در منطقه مورد مطالعه.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها، از نوع غیر آزمایشی، و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. جمعیت آماری تحقیق را کلیه زنان (۱۵ سال به بالا) ساکن روستاهای شهرستان همدان تشکیل می‌دهند که بر اساس برآوردهای جمعیتی از سرشماری سال ۱۳۸۵؛ تعداد کل آن‌ها ۴۵۳۳۴ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸). جهت برآورد حجم نمونه ابتدا مطالعه‌ای مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از پاسخگویان انجام گردید تا واریانس صفت مورد مطالعه (میزان توانمندی اقتصادی) مشخص گردد، سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۲۵۶ نفر مشخص گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، انتساب متناسب طبقه‌ای بوده است، در این مرحله از مجموع ۹ دهستان، ۱۳ روستا به‌طور تصادفی انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه برای سال ۱۳۸۸ بوده که پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ( $> 0/82$ ) و روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات متخصصان رشته‌های ترویج کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه تهران، زنان در چند روستا و کارشناسان جهاد کشاورزی تایید شد. پرسشنامه بوسیله محققان و به صورت مصاحبه، تکمیل و جمع‌آوری شد. تعریف متغیرها؛ در این پژوهش مفهوم

توانمندی اقتصادی، بر اساس شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و روانشناختی به شرح ذیل مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفت:

توانمندی اقتصادی: با شاخص‌های داشتن شغل، میزان درآمد، میزان پس‌انداز، میزان مهارت‌های اقتصادی، اختیارات اقتصادی در خانواده و مشارکت اقتصادی مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

شاخص‌های روانشناختی: با شاخص‌هایی چون اعتماد به نفس، احساس قدرت، میزان خود اثر بخشی و داشتن نگرش برابر جنسیتی نسبت به کار زنان و مردان، عملیاتی گردید.

شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی: آزادی رفت و آمد، رهایی از خشونت خانگی، میزان مشارکت اجتماعی، اختیارات اجتماعی و اخذ آگاهی از رسانه‌های ارتباط جمعی از جمله شاخص‌های به کار رفته در تبیین این مولفه به شمار می‌آیند.

در این تحقیق، توانمندی اقتصادی زنان روستایی از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی متغیر مستقل، و توانمندی اقتصادی زنان روستایی متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است.

#### یافته‌های تحقیق

#### مشخصات فردی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان روستایی جامعه مورد نظر در محدوده سنی ۱۵ تا ۷۰ سال قرار دارند. میانگین

سنی زنان ۳۷ سال بوده و بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال جای دارند. بررسی تعداد اعضای خانواده‌ها مشخص نمود ۶۶/۸ درصد از خانواده‌های پاسخ‌گویان تا ۵ نفر و کمتر از آن می‌باشند. بررسی وضعیت تأهل زنان نشان داد که ۶/۶ درصد (۱۷ نفر) از افراد سرپرست خانوار و نزدیک به ۹۲ درصد افراد (۲۳۵ نفر) در تحقیق، متأهل‌اند.

تفاوت سنی بین همسران در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد نداشتن اختلاف سنی، کمترین، و بیشترین اختلاف سنی شناسایی شده در تحقیق، ۴۴ سال می‌باشد. ۱۲۶ نفر از زنان (۴۹/۲ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال با همسران خود اختلاف سنی دارند که بیشترین طبقه را به خود اختصاص می‌دهد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان ۲۵۶ نفر زنان روستایی مورد مطالعه ۷۲ نفر بی‌سوادند (۲۸/۱ درصد)، ۲۷ نفر (۳۸/۷ درصد) تحت آموزش نهضت سوادآموزی قرار گرفته (توانایی خواندن و نوشتن)، ۸۷ نفر (۳۴ درصد) نیز در مقطع ابتدایی متوقف شده‌اند. ۴۱ نفر (۱۶ درصد) راهنمایی، ۱۹ نفر (۷/۴ درصد) متوسطه، ۱۰ نفر (۳/۹ درصد) دارای مدرک دیپلم هستند. بنابر این اطلاعات، می‌توان اظهار داشت ۷۲/۷ درصد از زنان، تحصیلات قابل توجهی نداشته و در وضعیت بی-سواد و کم‌سواد به سر می‌برند.

#### مشخصات اقتصادی

زنان روستایی در تحقیق حاضر مجموعاً به ۱۵ نوع فعالیت اقتصادی درآمدزا، مشغول بودند، که ۸۰ درصد جامعه آماری را تشکیل داده‌اند. لابیات فروشی و بافندگی (قلاب‌بافی) با درآمدزایی برای ۱۰۴ نفر فراوان‌ترین مشاغل درآمدزا برای زنان به حساب می‌آیند. میزان درآمد ماهیانه زنان روستایی از این مشاغل، نشان داد ۳۰/۷۳ درصد از زنان درآمدی کمتر از ۵۰۰۰۰ ریال، ۲۵/۸۵ درصد بین ۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ریال درآمد و ۴۳/۴۱ درصد بیشتر از ۲۰۰۰۰ ریال درآمد، در

ماه کسب می‌نمایند. در راستای تعیین سطح میزان توانمندی اقتصادی زنان، مهارت‌های اقتصادی-تولیدی آنان نیز مورد بررسی قرار گرفت. فرآوری محصولات لبنی و باغی همراه با سبزیکاری به ترتیب سه مهارتی است که بیشتر زنان جامعه آماری توانایی انجام آن را دارند و کمترین مهارت‌های اقتصادی شامل پرورش زنبور عسل، پرورش قارچ و کار با کامپیوتر می‌باشد. در مجموع، ۵۸/۲ درصد از مهارت‌های اقتصادی پایین، ۳۴/۴ درصد تا حدودی از مهارت‌های اقتصادی برخوردارند و تنها ۷/۰ درصد زنان از مهارت‌های اقتصادی بالایی برخوردارند. با جمع شاخص‌های مطرح شده، میزان توانمندی اقتصادی ۳۳/۲ درصد از زنان در حد پایین، ۴۷/۷ درصد متوسط و ۱۹/۱ درصد باقی‌مانده در حد بالا شناسایی شد.

#### مشخصات اجتماعی

با جمع شاخص‌های فردی-اقتصادی زنان (سن، میزان درآمد شخصی از فعالیت‌های غیر کشاورزی، مدت تاهل، میزان اختیارات اقتصادی و سهم فعالیت‌های زنان در کشاورزی)، شاخص مشارکت اقتصادی زنان روستایی محاسبه می‌شود. با توجه به نتایج، مشخص شد، ۳۴/۸ درصد زنان از مشارکت پایین، ۳۸/۳ درصد از مشارکت متوسط و ۲۶/۲ درصد از سطح بالایی از مشارکت اقتصادی برخوردارند.

میزان اختیار اماکنی که زن به تنهایی و بدون نظارت شوهر می‌تواند رفت و آمد داشته باشد آزادی حرکت نامیده می‌شود (Kabeer, 1999). این شاخص از جمع ۶ مولفه آزادی (دیدار دوستان، خانه بهداشت، رفتن به بازار، ادارات دولتی، گردش در شهر، فروش محصولات در بازار شهر) مورد بررسی قرار گرفت. طبق یافته‌های تحقیق بیشترین اماکنی که زنان (با اجازه شوهر) رفت و آمد دارند، منزل اقوام و خانه بهداشت است (به ترتیب شامل ۸۵/۵ درصد و ۸۴/۹ درصد زنان) و کمترین مکان‌ها گردش در شهر و فروش محصولات در بازار شهر (۵۰ درصد و ۴۱ درصد زنان) می‌باشد.

یکی از شاخص‌های مهم اجتماعی، که ارتباط تنگاتنگی با توانمندی اقتصادی دارد، میزان خشونت خانگی می‌باشد (Kali, 2007). در پژوهش حاضر شش نوع از خشونت خانگی، سنجیده شد. آزار کلامی با شیوع ۹۹/۲ درصد، ۷۳/۸ درصد زنان از آزار جسمی شکایت کردند. ۵۱/۲ درصد زنان تهدید به گرفتن همسر دیگری از جانب شوهر شده‌اند. ۴۹/۶ درصد از مردان تهدید کرده‌اند که خانواده را ترک خواهند کرد، ۴۶/۵ درصد از مردان زن را تهدید به قطع خرجی نموده‌اند و در نهایت ۳۴/۴ درصد مردان، زنان را با حربه طلاق آزار داده‌اند.

میزان دخالت زنان در تصمیم‌گیری‌های غیر اقتصادی مانند ازدواج فرزندان، میزان توانمندی اجتماعی آنها را نشان می‌دهد (Wallentin & Swain, 2008). یافته‌های این تحقیق نشان داد که میزان اختیارات غیر اقتصادی سنجیده شده بوسیله گویه‌های امکان اشتغال در خارج از خانه، دخالت در ازدواج فرزندان و پیشنهاد برای رفتن به سفر در مورد ۶۶/۴ درصد از زنان، در حد پایینی می‌باشد. ۲۲/۳ درصد زنان تا حدودی در موارد ذکر شده تا حدودی مختار هستند و ۱۱/۳ درصد از زنان بر این امور تسلط دارند.

یافته‌های تحقیق نشان داد، ۸۲ درصد از زنان روستایی هیچ‌گونه مطالعه‌ای (روزنامه، مجله یا کتاب) ندارند و ۱۸ درصد معادل با ۴۶ نفر، روزانه نزدیک به سی دقیقه از منابع فوق بهره‌مند می‌شوند. ۶۰/۵ درصد هیچ‌گاه از رادیو استفاده



نمی‌کنند، ۳۷/۵ درصد زیر دو ساعت در روز و ۲ درصد بیشتر از دو ساعت در روز به برنامه‌های رادیو گوش می‌دهند. تنها ۹ نفر از زنان ۵/۳۰ درصد از برنامه‌های سیما استفاده نمی‌کنند، ۶۴/۵ درصد زیر دو ساعت در روز و ۳۰/۲ درصد بیشتر از دو ساعت در روز، وقت خود را صرف برنامه‌های تلویزیون می‌کنند.

#### مشخصات روانشناختی

بررسی میزان اعتماد به نفس زنان، نشان داد که ۸۹ نفر از افراد (۳۲/۷ درصد) اعتماد به نفس پایین، ۷۹ نفر (۳۰/۹ درصد) اعتماد به نفس متوسط و ۸۸ نفر (۳۶/۴ درصد) از زنان روستایی از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند. بطور کلی ۸۴ درصد از زنان از اعتماد به نفس کم و متوسطی برخوردارند.

خود اثر بخشی به معنای اعتماد یک فرد به خود و باور توانایی‌های خود نسبت به انجام یک رفتار خاص می‌باشد، در واقع فرد به این ادراک برسد که توانایی انجام یک رفتار خاص (انجام کار درآمدزا) را در موقعیت‌های مختلف را دارا می‌باشد (Godin et al., 1987). بر اساس یافته‌های تحقیق ۳۹/۸ درصد از پاسخگویان، خود اثر بخشی پایینی دارند، ۲۳/۹ درصد خود اثر بخشی متوسط و ۳۶/۳ درصد، از خود اثر بخشی بالایی برخوردارند.

عاملیت همراه با منابع، میزان احساس توانایی را تعیین می‌کند: احساس توانایی یعنی چیزی که فرد می‌خواهد بشود و این در صورتی است که بتواند به آن عمل کند (Sen, 1985). بر این اساس، میزان تسلط زنان روستایی بر عوامل محیطی و رویدادهای زندگی مورد سنجش قرار گرفت. ۷۲/۷ درصد از زنان اعتقاد داشتند قدرت زیادی برای تغییر سرنوشت ندارند و ۲۷/۳ درصد زنان روستایی بیان داشتند خود، مهمترین عامل در تعیین سرنوشت می‌باشند.

باور داشتن به داشتن مشاغل درآمدزایی همانند مردان، اظهار نظر کردن در جمع مردان و اعتقاد به کار خود، در سطح کار مردان، از مواردی است که تعیین‌کننده‌ی نگرش‌های جنسیتی زنان می‌باشد. در جامعه آماری تحقیق حاضر نزدیک به ۵۰ درصد زنان اعتقاد داشتند، زنان باید در جمع مردانه نظرات مالی خود را بیان کند. ۵۶ درصد زنان موافق بودند که مشاغل درآمدزا همانند مردان داشته باشند، ولی با این حال ۴۲/۶ درصد با این جمله مخالف بودند. ۵۲ درصد موافق بودند که زنان روستایی در درآمدزایی خانواده همانند مردان، نقش مهمی دارند.

در این خصوص، رابطه متغیر توانمندی اقتصادی زنان روستایی با هر یک از شاخص‌های اجتماعی و روانشناختی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون (با توجه به مقیاس آن‌ها) بررسی شد. نتایج حاصل در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱- ضرایب همبستگی بین برخی از متغیرها با توانمندی اقتصادی زنان روستایی

| ردیف | متغیر               | نوع مقیاس | نوع آزمون | ضریب همبستگی | سطح معنی‌داری |
|------|---------------------|-----------|-----------|--------------|---------------|
| ۱    | سن                  | ترتیبی    | اسپیرمن   | -۰/۰۲۹       | ۶۴۸/۰         |
| ۲    | تعداد اعضای خانواده | نسبی      | پیرسون    | -۰/۱۵۰       | ۰/۱۶/۰        |
| ۳    | میزان تحصیلات       | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰/۲۰۰**      | ۰۰۰/۰         |
| ۴    | آزادی حرکت          | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰/۵۴۹**      | ۰/۰۰۰         |
| ۵    | خشونت خانگی         | ترتیبی    | اسپیرمن   | -۰/۳۱۵**     | ۰/۰۰۰         |
| ۶    | اختیارات اجتماعی    | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰/۴۷۵**      | ۰/۰۰۰         |
| ۷    | نگرش جنسیتی         | ترتیبی    | اسپیرمن   | ۰/۴۹۵**      | ۰/۰۰۰         |

|       |         |         |        |                        |    |
|-------|---------|---------|--------|------------------------|----|
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۶۲** | اسپیرمن | ترتیبی | اعتماد به نفس          | ۸  |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۳۸** | اسپیرمن | ترتیبی | احساس قدرت             | ۹  |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۱** | اسپیرمن | ترتیبی | خود اثر بخشی           | ۱۰ |
| ۰/۰۶۲ | ۰/۱۱۷   | پیرسون  | نسبی   | خواندن روزنامه یا مجله | ۱۱ |
| ۰/۶۹۰ | ۰/۰۲۵   | پیرسون  | نسبی   | گوش دادن به رادیو      | ۱۲ |
| ۰/۶۱۱ | -۰/۰۳۲  | پیرسون  | نسبی   | تماشای تلویزیون        | ۱۳ |

منبع: یافته‌های تحقیق

ماتریس همبستگی بین شاخص‌های روانشناختی-اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه، مندرج در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که به استثنای متغیر میزان اخذ آگاهی از رسانه‌های ارتباط جمعی، دیگر متغیرهای اجتماعی دارای رابطه معنادار و مثبتی (در مورد خشونت خانگی رابطه منفی) به لحاظ آماری با شاخص توانمندی اقتصادی می‌باشند. این رابطه از نظر شدت همبستگی برای متغیر تعداد اعضای خانواده دارای همبستگی متوسط و برای سایر متغیرها دارای همبستگی قوی است. با اندکی دقت این واقعیت آشکار می‌شود که تحصیلات بیشتر و کمتر بودن تعداد اعضای خانواده تاثیر مثبت و قابل ملاحظه‌ای در بهبود فرایند توانمندی اقتصادی زنان ایفا می‌کند و عدم وجود رابطه معنادار با متغیر سن نشان می‌دهد افزایش سن تاثیری بر قابلیت‌های اقتصادی زنان روستایی ندارد. شاخص‌های روانشناختی شامل اعتماد به نفس، خود اثر بخشی، نگرش جنسیتی و احساس قدرت همگی دارای رابطه‌ای مثبت، معنی‌دار و قوی با توانمندی اقتصادی می‌باشند.

جدول شماره ۲-مقایسه بین گروه‌های زنان از لحاظ میزان شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی

| متغیر گروه‌بندی  | سطح       | فراوانی | میانگین | انحراف معیار | F                    | سطح معناداری | آزمون مقایسات |
|------------------|-----------|---------|---------|--------------|----------------------|--------------|---------------|
| اعتماد به نفس    | پایین (۱) | ۸۹      | ۴/۷۳    | ۲/۶۷         | ۴۳/۳۴ <sup>***</sup> | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۷۹      | ۶/۰۵    | ۳/۶۴         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۸۸      | ۲۰/۲۷   | ۵/۲۴         |                      |              | ۰ و ۲         |
| خود اثر بخشی     | پایین (۱) | ۱۰۲     | ۵/۹۵    | ۳/۳۸         | ۳۵/۶۶ <sup>***</sup> | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۶۱      | ۷/۱۷    | ۳/۵۸         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۹۳      | ۱۰/۷۹   | ۵/۰۰         |                      |              | ۰ و ۲         |
| احساس قدرت       | پایین (۱) | ۸۷      | ۵/۷۹    | ۲/۷۴         | ۳۸/۶۵ <sup>***</sup> | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۷۵      | ۶/۹۸    | ۳/۴۵         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۹۴      | ۱۰/۸۵   | ۵/۳۱         |                      |              | ۰ و ۲         |
| آزادی رفت و آمد  | پایین (۱) | ۱۲۱     | ۶/۱۵    | ۲/۸۵         | ۴۸/۵۲ <sup>***</sup> | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۴۷      | ۶/۴۸    | ۲/۱۸         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۸۸      | ۱۱/۳۴   | ۵/۵۹         |                      |              | ۰ و ۲         |
| اختیارات اجتماعی | پایین (۱) | ۱۱۱     | ۶/۵۰    | ۴/۱۹         | ۱۷/۶۰ <sup>***</sup> | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۸۸      | ۸/۱۵    | ۵/۳۰         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۵۷      | ۱۰/۶۸   | ۴/۶۱         |                      |              | ۰ و ۲         |
| نگرش جنسیتی      | پایین (۱) | ۹۲      | ۴/۸۳    | ۲/۹۲         | ۲۳/۸۸                | ۰/۰۰         | ۳ و ۲         |
|                  | متوسط (۲) | ۴۶      | ۶/۴۷    | ۳/۸۴         |                      |              | ۰ و ۱         |
|                  | قوی (۳)   | ۱۱۸     | ۸/۸۹    | ۵/۱۸         |                      |              | ۰ و ۲         |

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد بین شاخص توانمندی اقتصادی زنان مورد مطالعه و شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی رابطه وجود دارد. بررسی آزمون مقایسات زوجی دانکن حاکی از آن است که گروه‌هایی که از نظر شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی در سطح بالایی قرار دارند، از توانمندی اقتصادی بالاتری نیز برخوردار می‌باشند. نتیجه این آزمون حاکی از تاثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی است. تحقیقات مایوکس نیز نشان می‌دهد برنامه‌های اعتبارات خرد مربوط به توانمندسازی زنان روستایی با عضویت آنان در گروه‌ها و شرکت در برنامه‌های مالی خود پایدار محلی، می‌تواند توانمندی زنان را ارتقا دهد، اما برای نتیجه بخش بودن عملکرد این گروه‌ها، شناخت هنجارهای جامعه، شبکه‌ها و انجمن‌های محلی و نیازها و علایق زنان ضروری می‌باشد (Mayoux, 2001).

در این پژوهش برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته توانمندسازی اقتصادی، رگرسیون چند گانه مورد استفاده قرار گرفته است. هدف از تحلیل رگرسیونی بررسی تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و پیش‌بینی میزان تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بوده است. در واقع رگرسیون چند گانه روشی برای مطالعه تاثیر یک یا چند متغیر مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. بررسی نتایج تحلیل رگرسیون مندرج در جدول نشان می‌دهد که با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹ درصد، معادله رگرسیونی دارای پنج مرحله می‌باشد. بر اساس جدول مذکور، ضریب رگرسیونی چند متغیره (R) در مرحله اول ۰/۵۴۲ و ضریب تعیین R<sup>2</sup> برابر ۰/۲۹۴ به دست آمده است. در این مرحله، اعتماد به نفس زنان وارد معادله گردیده است. در مرحله دوم، ضریب رگرسیون (R) بیش از ۵۵ درصد و ضریب تعیین ۳۲ درصد رسیده است. در این مرحله، میزان آزادی رفت و آمد اجتماعی وارد معادله گردیده است. در مرحله سوم مقدار ضریب همبستگی چند گانه (R) برابر ۰/۵۸۸ و ضریب تعیین R<sup>2</sup> برابر ۰/۳۴۶ به دست آمده است. در مرحله چهارم، مقدار ضریب همبستگی چند گانه (R) برابر ۰/۵۹۹ و ضریب تعیین R<sup>2</sup> برابر ۰/۳۵۹ به دست آمده است. در مرحله آخر (مرحله پنجم)، ضریب همبستگی چند گانه (R) در رابطه با این متغیر برابر ۰/۶۰۸ و ضریب تعیین R<sup>2</sup> برابر ۰/۳۷۰ به دست آمده است. معادله پیش‌بینی در مرحله نهایی عبارت است از:

جدول شماره ۳- ضرایب تعیین متغیرهای تاثیر گذار بر توانمندسازی اقتصادی در رگرسیون گام به گام

| گام | متغیر                   | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | مقدار F | سطح معناداری |
|-----|-------------------------|--------------|------------|----------------------|---------|--------------|
| ۱   | اعتماد به نفس           | ۰/۵۴۲        | ۰/۲۹۴      | ۰/۲۹۱                | ۱۰۴/۷۰۴ | ۰/۰۰۰        |
| ۲   | آزادی رفت و آمد         | ۰/۵۷۴        | ۰/۳۲۹      | ۰/۳۲۴                | ۶۱/۵۸۲  | ۰/۰۰۰        |
| ۳   | صرفه اقتصادی در خانواده | ۰/۵۸۸        | ۰/۳۴۶      | ۰/۳۳۸                | ۴۴/۰۸۱  | ۰/۰۰۰        |
| ۴   | احساس توانایی           | ۰/۵۹۹        | ۰/۳۵۹      | ۰/۳۴۸                | ۳۴/۸۳۰  | ۰/۰۰۰        |
| ۵   | خشونت خانگی             | ۰/۶۰۸        | ۰/۳۷۰      | ۰/۳۵۷                |         | ۰/۰۰۰        |

منبع: یافته‌های تحقیق

$$Y = 0/933 + (0/294) (X_1) + (0/329) (X_2) + (0/346) (X_3) + (0/359) (X_4) + (0/370) (X_5)$$

سایر متغیرهای خارج از معادله به شرح زیر می‌باشند:

جدول شماره ۴- متغیرهای خارج از معادله رگرسیونی

| ردیف | متغیر                      | ضریب استاندارد شده<br>Beta | t      | Sig t |
|------|----------------------------|----------------------------|--------|-------|
| ۱    | میزان تحصیلات              | -۰/۰۲۴                     | -۰/۴۷۵ | ۰/۶۳۵ |
| ۲    | میزان اختیارات غیر اقتصادی | ۰/۰۵۱                      | ۰/۸۴۱  | ۰/۴۰۱ |
| ۳    | فاصله منزل از خانه بهداشت  | -۰/۰۷۳                     | -۱/۲۹  | ۰/۱۹۷ |
| ۴    | فاصله منزل از جاده اصلی    | -۰/۰۲۸                     | -۰/۴۷۸ | ۰/۶۳۳ |
| ۵    | فاصله منزل از زمین زراعی   | -۰/۰۲۸                     | -۰/۵۴۲ | ۰/۵۸۹ |
| ۶    | سن                         | ۰/۰۸۰                      | ۱/۶۱۴  | ۰/۱۰۸ |
| ۷    | تعداد اعضای خانواده        | -۰/۰۴۵                     | -۰/۸۸۷ | ۰/۳۷۶ |
| ۸    | مدت تاهل                   | -۰/۰۰۸                     | -۰/۱۳۴ | ۰/۸۹۳ |
| ۹    | سن همسر                    | ۰/۰۶۱                      | ۰/۹۸۸  | ۰/۳۲۴ |
| ۱۰   | تفاوت سنی با همسر          | -۰/۱۰۴                     | -۱/۱۶۲ | ۰/۲۴۶ |
| ۱۱   | میزان تحصیلات همسر         | -۰/۰۱۵                     | -۰/۱۶۵ | ۰/۸۶۹ |

منبع: یافته‌های تحقیق

## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فقرزدایی از مناطق روستایی و از اقشار محروم، بوسیله برنامه‌هایی صورت می‌پذیرد که در قالب طرح‌های توانمندسازی اقتصادی زنان اجرا می‌شود (WIEGO, undated; WorldBank, 2005). در این تحقیق ابتدا شاخص‌های مختلف اجتماعی، روانشناختی و توانمندی اقتصادی جامعه‌ی مورد مطالعه، برآورد شده و در ادامه تفاوت بین گروه‌های زنان از نظر دارا بودن این شاخص‌ها با توانمندی اقتصادی سنجیده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیشترین همبستگی بین متغیر وابسته توانمندسازی اقتصادی زنان به ترتیب با شاخص‌های: آزادی حرکت، اختیارات اجتماعی، نگرش جنسیتی، احساس قدرت و اعتماد به نفس می‌باشد. همچنین میزان خشونت خانگی با متغیر وابسته، همبستگی را در جهت عکس نشان می‌دهد. از متغیرهای جمعیتی مورد مطالعه تنها میزان تحصیلات دارای رابطه معنی‌دار و مثبت با توانمندی اقتصادی می‌باشد ( $\text{sig}=۰/۰۰۵$ ،  $r=۰/۱۲۴$ ). این در حالی است که نزدیک به ۷۲٪ جامعه آماری در سطح پایینی از تحصیلات قرار دارند و لذا آموزش زنان یک فرایند اساسی در شکستن دور باطل چند نسلی عملکرد پایین آموزشی، درآمد پایین، باروری بالا و سوء بهداشت و تغذیه کودکان است. مطالعات نشان می‌دهد که آموزش زنان به نرخ‌های پایین‌تر مرگ و میر نوزادان می‌انجامد و باعث می‌شود که کودکان از سرمایه انسانی بیشتری برخوردار گردند (تودارو، ۱۳۸۲). از دیگر یافته‌های تحقیق که حائز اهمیت می‌باشد، تفاوت معنی‌دار بین سطح برخورداری از شاخص‌های اجتماعی-روانشناختی و میزان توانمندی اقتصادی می‌باشد. بنابر این می‌توان اظهار نمود زنانی که با شبکه‌های اجتماعی بیشتری در تعامل اند خدمات اجتماعی و گاهاً اقتصادی بیشتری دریافت می‌کنند (Swain & Wallentine, 2008)، آگاهی‌های بیشتری از جامعه دارند و با در اختیار داشتن آزادی نسبی در حرکت، توانایی‌های خود را بهبود می‌بخشند. بدین ترتیب بدیهی است، زنانی که از نظر اقتصادی توانمند هستند زنانی‌اند که از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند. تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش، اعتماد به حکومت و

شکل‌گیری تشکلهای بهره‌برداری از منابع در دسترس به صورت موفق و کارا در روستاها رابطه‌ی مستقیم دارد (Brehm&Rahn, 1997)، لذا سازمان‌های غیردولتی مرتبط با زنان، می‌توانند نقش مهمی را در تعمیم سرمایه اجتماعی بخصوص در اجتماعات روستایی داشته باشند. این سازمان‌ها، می‌توانند نقش زنان را در بالابردن سرمایه اجتماعی مشخص‌تر نموده و انگیزه‌ای برای مشارکت هرچه بیشتر زنان در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشند. افزایش آگاهی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در زنان از طریق ارائه برنامه‌های ترویجی و آگاه نمودن آنان از جایگاه خود در جامعه می‌تواند منجر به افزایش تمایل آنان به مشارکت در برنامه‌های توسعه شود. همچنین آموزش‌های مختلف به منظور برداشتن موانع فرهنگی بویژه در روستاها جهت حضور مؤثرتر و هرچه بیشتر زنان در فرآیند توسعه ضروری خواهد بود. از جمله روش‌های توصیه شده جهت تسهیل حرکت در فرآیند توانمندسازی، به خصوص در مناطق روستایی، استفاده از روش‌های مشارکت گروهی، از جمله اقدام پژوهی مشارکتی ۱۷ می‌باشد. در این روش افراد با توجه به ویژگی‌های فردی (سن، طبقه اجتماعی و مانند آن) در گروه‌های متجانس تقسیم شده، مسائل، مشکلات و نیازهای زندگی روزانه خود را بیان نموده، نقاط اشتراک زندگی، ضعف‌ها و کمبودهای خود را در جامعه را دیده و با توجه به آن‌ها راه حلی جمعی و اجتماعی می‌یابند. در این روش تسهیل‌گران، در فرآیند جاری گروه‌ها دخالت نمی‌کنند بلکه تنها وظیفه هدایت گروه‌ها و تسهیل این فرآیند را بر عهده دارند. تشکیل این گروه‌ها به طرز صحیح و قوی موجب تشکیل سرمایه اجتماعی جدید خواهد بود که زنان می‌توانند بدون کمک عوامل بیرونی نیازهای خود را شناسایی نموده و برای آن راه‌حل بیابند (Kemmis and McTaggart, 2000; Patton, 2002).

همچنین مطالعه رگرسیونی در تحقیق حاضر نشان‌دهنده آن است که با کنترل سایر متغیرهای مستقل در تحقیق دو متغیر اعتماد به نفس و آزادی حرکت بیشترین تغییرات متغیر وابسته یا به عبارتی توانمندسازی اقتصادی زنان را تبیین می‌کنند. این یافته نشان از تاثیر سرمایه انسانی بر توانمندی زنان روستایی می‌باشد. سرمایه انسانی شامل مواردی چون سلامتی، آموزش، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای زندگی می‌باشد (Frankenberg and Thomas, 2001). می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چه زنان از سرمایه‌های انسانی بالاتری برخوردار باشند، نگرش مثبت‌تری نسبت به اهمیت کار خود دارند، می‌توانند آگاهی‌های خود را از خود و جامعه افزایش دهند توانمندی آنان از نظر اقتصادی افزایش یافته و به تدریج می‌توانند با هنجارهای محدود کننده در جامعه مقابله کرده و موانع پیش روی خود را بردارند، زیرا در جوامع روستایی این فرهنگ و سنت‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چه کسانی به آموزش دسترسی داشته باشند و زندگی آگاهانه‌تری انتخاب نمایند (Nussbaum, 1996 به نقل از Thapan, 1997). نتیجه این که از وظایف اولیه عاملان ترویج جهت کار در محیط‌های روستایی به خصوص برای زنان، توجه به موانع فرهنگی جهت مشارکت اجتماعی آنان در جامعه است. فائو برنامه‌ریزی صحیح، در راستای توسعه‌ی سرمایه انسانی زنان روستایی را در سه مرحله توصیه می‌نماید: (۱) شناسایی نیازها، اولویت‌ها، تنگناها و فرصت‌هایی که توسط زنان اظهار می‌شود؛ (۲) اطمینان یافتن از این مورد که بسته‌های

توسعه شامل آموزش‌ها، برنامه‌ها، امکانات و ابزار، به اندازه کافی از حساسیت لازم نسبت به جنیست برخوردار می‌باشد و (۳) برقراری ارتباط عمیق با زنان روستایی جهت دریافت بازخورد برنامه‌ها (FAO, 2007). قابل توجه است که هدف از کلیه برنامه‌های ذکر شده توسط فائو طبق چارچوب نظری تحقیق فراهم آوردن منابع جهت افزایش عاملیت زنان است. همچنین آموزش‌های ترویجی به منظور برداشتن موانع فرهنگی بویژه در زمینه‌های خشونت خانگی، مدیریت اقتصادی خانواده، آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و ضرورت ادامه تحصیل دختران جهت حضور مؤثرتر و هرچه بیشتر زنان روستایی در فرایند توسعه و همچنین حذف باورهای غلط فرهنگی در جامعه ضروری خواهد بود.

## منابع:

- تودارو، مایکل (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامرضا فرجادی، چاپ دهم انتشارات روشنگران، تهران.
- شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. پژوهش زنان دوره ۵، شماره ۱.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستایی، زهرا، (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷.
- Acharya, Meena and Lynn Bennett. 1983. Women and the Subsistence Sector: Economic Participation and Household Decision-making in Nepal. Working Paper Number 526. Washington DC: World Bank.
- Agarwal, B. 1997. "Bargaining' and Gender Relations: Within and Beyond the Household." Food Consumption and Nutrition Division Discussion Paper No. 27. International Food Policy Research Institute.
- Akinsanmi, A. 2005. 'Working Under Constraint: Women, Poverty and Productivity'. Women and Environments International 66/67: 17-18.
- Bali Swain, R. and Wallentin, F.Y. (2007). 'Does Microfinance Empower Women?: Evidence from Self Help Groups in India', Working Paper 2007:24, Department of Economics, Uppsala University.
- Basu, Alaka Malwade and Kaushik Basu. 1991. "Women's economic roles and child survival: the case of India." Health Transition Review 1(1):???
- Batliwala, Srilatha. (1994). "The meaning of women's empowerment: New concepts from action." Pp. 127-138 in Population Policies Reconsidered: Health, Empowerment and Rights. G. Sen, A. Germain and L.C. Chen, eds. Cambridge: Harvard University Press .
- Becker, S. 1997. 'Incorporating Women's Empowerment in Studies of Reproductive Health: An Example from Zimbabwe', paper presented at the Seminar on Female Empowerment and Demographic Processes, Lund (20±24 April).
- Beegle, Kathleen, Elizabeth Frankenberg and Duncan Thomas. 1998. "Bargaining power within couples and use of prenatal and delivery care in Indonesia." Studies in Family Planning 32(2):130.
- Browning, M. and Chiappori, P.A. (1998). 'Efficient Intra-Household Allocations: A General Characterization and Empirical Tests', Econometrica, Vol. 66, pp. 1241-78.
- Chant, S. (2003). 'Female Household Headship and the Feminisation of Poverty: Facts, Fiction and Forward Strategies'. Gender Institute, London School of Economics.
- Chen, M. 1992. Conceptual Model for Women's Empowerment. Unpublished
- Deshmukh-Ranadive, J. (2003). 'Placing Gender Equity in the Family Centre Stage: Use of Kala Jatha' Theatre', Economic and Political Weekly, 26 April 2003.
- Duflo, E. (2003). 'Grandmothers and Granddaughters: Old Age Pension and Intra-Household Allocation in South Africa'. World Bank Economic Review, Vol. 42, pp. 1-25.
- Dyson, Tim and Mick Moore. 1983. "On kinship structure, female autonomy, and demographic behavior in India." Population and Development Review 9(1):35-60.
- FAO, 2007. Rivera,. W.M, Corning, L. S. Empowering Women Through Agricultural Extension: A Global Perspective United Nations. <http://www.fao.org/Gender/en/educ-e.htm>
- fertility transitions." *Population and Development Review* 22,
- Frankenberg, Elizabeth and Duncan Thomas. 2001. Measuring Power. Food Consumption and Nutrition Division Discussion Paper No. 113. Washington DC: International Food Policy Research Institute.
- Frankenberg, Elizabeth and Duncan Thomas. 2001. Measuring Power. Food Consumption and Nutrition Division Discussion Paper No. 113. Washington DC: International Food Policy Research Institute.
- Giddens, A. .1979. Central Problems in Social Theory. London: Macmillan Press.
- Godin, G., Valois, P., Shephard, R. J. and Desharnais, R. (1987) Prediction of leisure-time exercise behavior: A path analysis (LISREL V) model. Journal of Behavioral Medicine 10, 145-158.
- Govindasamy, Pavalavalli and Anju Malhotra. 1996. "Women's position and family planning in Egypt." Studies in Family Planning 27(6):328-340.
- Grasmuck, Sherri and Rosario Espinal. 2000. "Market success or female autonomy? Income, ideology, and empowerment among microentrepreneurs in the Dominican Republic." Gender and Society 14(2):231-255.

- Hashemi, Syed M., Sidney Ruth Schuler, and Ann P. Riley. 1996. "Rural credit programs and women's empowerment in Bangladesh." *World Development* 24(4):635-653.
- Hoddinott, John and Lawrence Haddad. 1995. "Does female income share influence household expenditures? Evidence from Cote d'Ivoire." *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 57(1):77-96.
- Jejeebhoy, Shireen J. and Zeba A. Sathar. 2001. "Women's autonomy in India and Pakistan: The influence of religion and region." *Population and Development Review* 27(4):687-712.
- Kabeer, N. (2005). 'Is Microfinance a "Magic Bullet" for Women's Empowerment?: Analysis of Findings from South Asia', *Economic and Political Weekly*. 29 October 2005.
- Kabeer, N. (1999). 'Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment', *Development and Change*, Vol. 30, No. 3.
- Kabeer, N. 2001. 'Conflicts Over Credit: Re-evaluating the Empowerment Potential of Loans to Women in Rural Bangladesh', *World Development*, Vol. 29, No. 1, pp. 63-84.
- Kemmis, S., McTaggart, R., 2000. Participatory action research. In: Lincoln, Y., Denzin, K. (Eds.), *Handbook of Qualitative Research*, second ed. Sage, Thousand Oaks.
- Kishor, Sunita. 2000a. "Empowerment of women in Egypt and links to the survival and health of their infants." In *Women's Empowerment and Demographic Processes: Moving Beyond Cairo*. Harriet Presser and Gita Sen, eds. New York: Oxford University Press.
- Longwe S., 1994. *Gender analysis criteria for empowerment of women*, Unisef women's development section New York
- Lukes, S. (1974). *Power: A Radical View*. London: Macmillan.
- Malhotra, A., S. R. Schuler, and C. Boender. 2002. "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development." *Gender and Development Group*, World Bank, Washington, DC.
- Malhotra, Anju and Mark Mather. (1997). "Do schooling and work empower women in developing countries? Gender and domestic decisions in Sri Lanka." *Sociological Forum* 12(4):599-630.
- Mason, Karen. 1998. "Wives' economic decision-making power in the family: Five Asian countries." Pp. 105-133 in *The Changing Family in Comparative Perspective: Asia and the United States*. Karen Oppenheim Mason, ed. Honolulu: East-West Center.
- Mayoux, L. 2000. 'Microfinance and the empowerment of women: A review of the key issues'. Social Finance Unit Working Paper, 23. Geneva: ILO.
- McElroy, M. 1992. 'The Policy Implications of Family Bargaining and Marriage Markets', in L. Haddad, J. Hoddinott and H. Alderman (eds) *Intra-household Resource Allocation in Developing Countries: Methods, Models and Policy*, pp. 53-74. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Mehra, Rekha. DATE. "Women, empowerment, and economic development." *The Annals of the Academy* 554:136-149.
- Moser, C. O. N. (1989) "The informal sector reworked: Viability and vulnerability in urban development," *Regional Development Dialogue*, Vol. 5, No. 2.
- Narayan, Deepa with Raj Patel, Kai Schafft, Anne Rademacher, and Sarah Koch-Schulte. 2000. *Voices of the Poor: Can Anyone Hear Us?* World Bank Series. Oxford: Oxford University Press.
- Nussbaum, Martha. 2000. *Women and Human Development: The Capabilities Approach*. New York: Cambridge Press.
- Oakley, Peter, et al (1991). *Projects with People; The Practice of Participation in Rural Development*. 284pp, ISBN:9221072827, ILO Press. Forthcoming.
- Patton, M. (Ed.), 2002. *Qualitative Research and Evaluation Methods*, third ed. Sage, Thousand Oaks, CA.
- Pulerwitz, Julie, Steven L. Gortmaker, and William DeJong. 2000. "Measuring sexual relationship power in HIV/STD research." *Sex Roles* 42(7/8):637-660.
- Quisumbing, Agnes R. and Benedicte de la Briere. 2000. *Women's Assets and Intra-household Allocation in Rural Bangladesh: Testing Measures of Bargaining Power*. Food Consumption and Nutrition Division Discussion Paper No. 86. Washington DC: International Food Policy Research Institute.
- Random House Webster's Unabridged Dictionary Version 3.0. (1999) (Random House Webster's Random House Inc.
- Roget's 21st Century Thesaurus, Third Edition (2005) (21st Century Reference), Mass Market Princeton Language Institute, Publisher: Dell; 3 Exp Upd edition,
- Rowlands, J. 1997. *Questioning Empowerment: Working with Women in Honduras*. Oxford, UK: Oxfam; Atlantic Highlands, NJ: Humanities Press International.
- Schuler, Sidney Ruth, Syed M. Hashemi, Amy Cullum and Mirza Hassan. 1996. "The advent of family planning as a social norm in Bangladesh." *Reproductive Health Matters* 7:66-78.
- Sen, A. (1985). *Commodities and Capabilities*. Amsterdam: Elsevier.
- Sen, A. 1999. *Development as Freedom*. Oxford: Oxford University Press .
- Sen, G, Caren G, 1987. *Development, Crises, and Alternative Visions: Third World Women's Perspectives*. New York: Monthly Review Press .
- Sen, Gita. 1993. *Women's empowerment and human rights: The challenge to policy*. Paper presented at the Population Summit of the World's Scientific Academies .
- Stromquist, nelly p (1995). *the theoretical and practical bases for empowerment, in women, education and empowerment: pathway toward autonomy*. Carolyn medel-anonuevo, ed. Report of the enter national seminar held at UIE, January 27 February 2, 1993, Hamburg, Germany. Paris: UNESCO

- Swain,B and Wallentin, Y, (2008); Economic or non-economic Factors- What empowers Women? Working Paper department of economics UPPSALA universitet.
- Thapan, M. 1997. 'Linkages between Culture, Education and Women's Health in Urban Slums'. Economic and Political Weekly: 83-88.
- The American Heritage Dictionary of the English Language, . 2006. Fourth Edition Houghton Mifflin Harcourt. Afterword
- Tinker I, (1990) Persistent Inequalities (Oxford University Press, Oxford)
- UNFPA, (2007). United Nations Population Fund, Economic empowerment of women, workshop papers, New York 220 east 42nd Street
- Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing (WIEGO). Undated. 'Mainstreaming Informal Employment and Gender in Poverty Reduction'.
- World Bank. 2001. Engendering Development through Gender Equality in Rights, Resources and Voice, Oxford University Press Washington, DC.
- WorldBank. 2000. World Development Report 2000/2001: Attacking Poverty. New York: Oxford University Press.
- WorldBank. 2005. "Empowerment in Practice From Analysis to Implementation." Ruth Alsop, Mette Frost, Bertelsen Jeremy, Holland16031-IN. South Asia Environment and Social Unit, World Bank, Washington, DC.
- .